

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۱۹۹ مهر ماه ۱۳۹۵ - اکتبر ۲۰۱۶

تخریب و غارت آثار باستانی توسط هر نیرویی تبهکاری است

شورای حقوق بشر سازمان ملل در بیست و نهمین نشست خود در ژنو با صدور قطعنامه‌ای رفتار وحشیانه داعش را محکوم ساخت.

در این قطعنامه که با ۲۹ رای موافق، ۶ مخالف و ۱۲ ممتنع تصویب شد، حملات گروه تروریستی داعش به میراث فرهنگی سوریه و عراق و تخریب آثار باستانی آنها را به شدت محکوم کرد. این نمایش تبلیغاتی شورای حقوق بشر سازمان ملل، قبل از آنکه سند محکومیت داعش باشد، سند تیرنه جنایات امپریالیستها در نابودی و دزدی میراث فرهنگی خلقها و ملت‌های جهان است. داعش دستاویزی شده است تا هم پای اسلام را به میان بکشند و هم ربودن میراث فرهنگی توسط دنیای "متمدن" را لاپوشانی کنند. داعش نه دولت است، نه از نظر حقوقی قابل پیگرد و نه می شود مچ کسی را در این زمینه گرفت، ولی جرج بوش، رامزفلد، چنتی، تونی بلر که آثار فرهنگی و میراث تاریخی بشریت را در میانرود(بین النهرین، موساپوتانین) نابود کردند، نماینده دولتها بوده و قابل پیگرد بین المللی.

کارنامه داعش که فرزند امپریالیسم و صهیونیسم است روشن می باشد. آنها پس از تخلیه آثار تاریخی از شهر باستانی «نمرود» (کالخور) در عراق و چوب حراج زدن به آنها، این شهر را با خاک یکسان نمودند، شهری که در قرن ۱۳ پیش از میلاد در کنار رود دجله بنا شد و بعدها آشوریان آن را پایتخت خود اعلام کردند و تمدن درخشان خود را در آنجا آفریدند؛ زیرا داعش بخش عظیمی ... ادامه در صفحه ۲

شکست مبارزات خلق کرد ریشه در ناتوانی شناخت از دشمن دارد

رویدادهای اخیر در سوریه پیرامون مسئله کردها و همکاری آنها با آمریکائی ها، تجربه ی سالها حکومت خودمختار کرد در عراق و همکاری آنها با صهیونیسم و امپریالیسم و داعش، اظهارات رهبر حزب دموکرات کردستان ایران در همدستی با صهیونیسم اسرائیل و دعوت از آمریکا برای حمله به ایران و همدستی کردهای ایران با منصور حکمت و پذیرش تئوریهای اسرائیلی و "غیر طبقاتی" وی، حزب ما را بر آن داشت که به مسئله خواستهای ملی خلق کرد و راه رهایی واقعی آنها نظر مجددی بیفکنیم.

اینکه در ایران به ملت کرد ستم وارد می شود بر کسی پوشیده نیست. این ستم به طور عمده در عرصه استفاده از امکانات آموزشی زبان مادری در مدارس بروز می کند. نه در رژیم سلطنتی و نه در رژیم جمهوری اسلامی به تشکیل انجمنهای ایالتی ولایتی این خلقها که دستاورد انقلاب مشروطیت بود توجه کردند و نه به تحقق آن یاری رساندند. به این جهت باید گفت که خلقهای ایران کاملاً خلقهای متساوی الحقوق نیستند و از برابری یکسان برخوردار نمی باشند و این طبیعتاً بازتاب ستم ملی در جامعه است. ولی مسایل را باید مشخص ارزیابی کرد و از کلی گویی برای کسب نتایج از پیش ساخته و نادرست پرهیز نمود. علیرغم وجود این ستم ملی آنهام بویژه در عرصه استفاده از زبان مادری به صورت رسمی، نمی توان مدعی شد که آذربایها، کردها، بلوچها و یا هر خلق دیگری در ایران صرفاً به علت تعلقات ملی مورد ستم و پیگرد قرار می گیرند. در خاک ایران بخشی از آن آذربایجان و بخش دیگری از آن کردستان نامیده می شود و این مربوط به چند سده اخیر نیست، ریشه قدیمی تر داشته و در افکار عمومی و ذهنیات مردم ایران جا باز کرده است. همه افراد متعلق به خلقهای گوناگون ایران می توانند به زبان مادری خود سخن گویند، بنویسند، از امکانات رسانه ای استفاده کنند، به موسیقی و هنر خویش بپردازند و هرگز به این علل مورد تعقیب قرار نمی گیرند. حتی بسیاری از دولتمردان و طبقات حاکمه ایران متعلق به خلق آذری(ترک) هستند که در سرکوب سایر خلقهای ایران فعالانه شرکت داشته و دارند. در ایران چه در زمان شاه و چه در زمان جمهوری اسلامی تنها کسانی مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند و می گیرند که بر ضد رژیمهای حاکم زمان به مبارزه سیاسی و اجتماعی اشتغال داشتند و مبارزه آنها خطری برای حاکمیت رژیمها محسوب می شد. در قتل عام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ همه فئودالهای بزرگ آذری از جمله ذوالفقاری، ملک قاسمی، مراغه ای و... شرکت داشتند. کسانی که در پی ارزیابی مسئله ملی در ایران هستند، باید این نکته اساسی را درک کنند. در این مقاله قصد نیست تا از ریشه های پیوندهای چند هزار ساله تاریخی میان خلقهای گوناگون ایران که در کنار هم دو انقلاب کردند، بر ضد متجاوزان جنگیدند و در مبارزات ضد استعماری مردم ایران شرکت عظیم و فعال داشتند، سخن به میان آید.

متأسفانه به ویژه در میان کردهای ایرانی این تفکر ضد علمی و ناسیونال شونیستی قوت گرفته است که گویا واژه کرد مترادف با انقلابی است و در میان خلق گُرد فرد، گروه و یا طبقه ارتجاعی وجود ندارد. اگر یک گُرد سیاسی به زشتترین اعمال هم دست بزند باز هم گویا چون گُرد است، قابل اغماض است. تو گویی در تاریخ ایران سالار جاف ها، جاش ها، پیشمرگان کرد مسلمان که همدست رژیم جمهوری اسلامی بودند، وجود نداشته اند. صرف گُرد بودن، توجیه گر هر خیانتی شده است. این زدودن مرز میان دوست و دشمن و ناتوانی در ارزیابی علمی و طبقاتی در میان افراد و سازمانهای سیاسی گُرد ریشه قدیمی و ناسالمی دارد. تنها اقلیت قلیلی در میان کردها هستند که کمونیست می باشند و خود را کمونیست می دانند و آن هم به این مفهوم که کمونیست بودن را مرجح بر گُرد بودن می شمارند و بر این اساس حتی بر ضد سایر گُردها که ارتجاعی هستند، مباره می کنند. متأسفانه این گُردهای مترقی در اقلیت به سر می برند. این خصیصه نکوهدیده نه در میان فارسها وجود دارد و نه در میان آذربایجانیها و بیشتر دامنگیر کردهای منطقه است. از نظر این دو خلق اخیر هم فارس ارتجاعی وجود دارد و هم آذربایجانی ارتجاعی و برعکس. در میان کردها این ناسیونال شونیسم کور و عدم شناخت... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران(توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید *

تخریب و غارت آثار باستانی...

از بناهای تاریخی و میراث گرانبهای شهر تاریخی پالمیرا (عروس کویر) را در استان حُمص سوریه که قدمت دو هزار ساله دارد و به مروراید صحرا نیز مشهور است، نابود ساخت. شهری که بناهای آن حکایت از سه فرهنگ یونانی، رومی و ایرانی دارد؛ زیرا داعش اشیاء عتیقه و بیکره های باستانی را از طریق دلالان سعودی و ترک و ... به معرض حراج گذارده است و خریداران این آثار عتیقه و باستانی و دستاوردهای نایاب بشریت موزه های بزرگ و تجار سرشناس امپریالیستها هستند که قابل تعقیب نبوده و نام "محتشرمشان" در همه جا به "نیکی" یاد می شود. داعش این نیروی اهریمنی که خوراک فکری اش را فتاوی مفتی های وهابی به غایت ارتجاعی عربستان نظیر «بن عبداللطیف آل الشیخ»، «شیخ عبدالعزیز بن باز» و ... تأمین می کنند، نه تنها مجسمه ها و آثار و میراث باستانی و ملی را به یغما برده و یا نابود می سازند، بلکه مغول وار با تأسی به فتاوی مفتی های عربستان، انسان هایی را که غیر آنها می اندیشند، دسته دسته از دم تیغ می گذرانند و با سر بریده آنها و حشیا نه فوتبال بازی می کنند!

اما داعش یک شبه از آسمان نازل نشد و کارخانه اسلحه سازی و دستگاه چاپ اسکناس هم در اختیار نداشت، بلکه داعش فرزند نابکار امپریالیسم و ارتجاع منطقه است و تا دیروز به عنوان تروریستهای خوب سر از آستین آمریکا و ناتو در می آورد.

از این رو حزب ما بر این نظر است که نه تنها داعش را می بایست محکوم کرد و با آن به مبارزه برخاست، بلکه بر علیه آفرینندگان و حامیان داعش و نیز منابع مالی و تسلیحاتی آنان نیز باید به مقابله پرداخت و علیه آنها قطعنامه صادر کرد. باید همان گونه که شورای حقوق بشر سازمان ملل علیه داعش قطعنامه می دهد، علیه امپریالیسم و ارتجاع منطقه نیز چنین عمل کند که نمی کند و نمی خواهد بکند.

طومار جنایات جنگی و حملات و حشیا نه امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا طولانی است و پرداختن به آن از حوصله این نوشته خارج است. اما از آنجا که علت صدور قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل نابودی و سرقت اشیاء عتیقه و میراث باستانی و فرهنگی در بین النهرین است، به جاست که شمه ای از طومار سرقت و نابودی میراث های فرهنگی و هنری و تاریخی جهان را که به دست ایادی امپریالیسم نابود گشته و یا روده شده اند، بر شمریم.

از قرن ۱۹ که باستان شناسان کشورهای غربی همین شهر «نمرود» را که بقایایش زیر چکمه های داعش نابود گشت، کشف کردند، بسیاری از اشیاء و آثار مشهور باقی مانده این تمدن عظیم و غنی را به موزه های خود انتقال دادند. مجسمه بزرگ و مشهور «گاوهای بالدار» که در موزه لندن به معرض نمایش گذارده شده است، نمونه بارز این مدعا است.

میراث باستانی و فرهنگی عراق در حمله مغول وار آمریکا و نیروهای ائتلاف در ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به این کشور خسارات جبران ناپذیری دید و تعداد کثیری از این آثار نیز از موزه ها روده شدند.

آمریکائیان برای این که راحت تر اشیاء عتیقه را به ربایند، ابتدا به دفاتر زیرزمینی موزه بغداد رفته و اسناد مربوط به آثار باستانی را نابود کردند. به علاوه

اشیائی که در موزه های کوچکتر بودند و همچنین باستان شناسان در حفاری ها یافته بودند، نیز در هیچ کجا ثبت نشده بودند.

در بین النهرین، این گهواره تمدن که در آن اقوام گوناگونی زیسته اند، آثار تاریخی گرانبهائی وجود داشتند که بیش از هشت هزار سال قدمت دارند. اما امروز چیز زیادی از آن ها به جا نمانده است. موزه ملی بغداد که پس از سقوط رژیم بعثی عراق در سال ۲۰۰۳ با نقشه و به شیوه سازماندهی شده، تخریب و غارت گشت، یکی از ۵ مرکز مهم نگهداری آثار تاریخی جهان به شمار می آمد. گنجینه های با ارزشی که قدمت ۵۵۰۰ سال تمدن بین النهرین را به نمایش می گذارد و بیانگر تمدن های بابل، آشور و خلفای عباسی بود. گلدان سامری «شیر نیمرود» که روی عاج فیل حکاکی شده قدمتش به ۸۵۰ سال قبل از میلاد مسیح می رسد. «پل زمینسکی» استاد باستان شناسی خاور نزدیک در دانشگاه بوستون در رابطه با تخریب و غارت موزه بغداد معتقد است که: «ما وحشیانه رفتار کرده ایم، ما نظم و قانون را درهم شکستیم، تماشا کردیم که چگونه اوباش میراث فرهنگی را به غارت می برند...». قریب به ۱۵ هزار اشیاء عتیقه از موزه بغداد به غارت رفت که یا در خارج از عراق به مجموعه داران فروخته شد، که خود امروز به آن اعتراف دارند، ولی حاضر به استرداد آنها نیستند، زیرا که معتقدند آنها را خریده اند!

و یا در موزه های کشورهای غربی به نمایش درآمده اند. ۱۶۰۰ قطعه از این اشیاء در کشورهای هم مرز، ۳۰۰ قطعه در ایتالیا و ۶۰۰ قطعه در آمریکا دیده شده اند. ناگفته نماند که در جریان جنگ بربرمنشانه آمریکا و متحدینش علیه کشور عراق مجموعه کتابخانه ملی و آرشیوهای موجود در بغداد سوخت و ساختمان آن تقریباً نابود گشت. در سال ۲۰۰۳ در آستانه سال نوی ایرانیان که هنوز داعشی در کار نبود. تنها پدرخوانده های داعش بعدی وجود داشتند.

سوال اینجاست که پنتاگون و همپیمانانش هنگام تاخت و تاز به عراق از توافق نامه بین المللی سال ۱۹۵۴ در رابطه با حمایت از بناها و آثار باستانی و فرهنگی در درگیری های مسلحانه و نیز پروتکل الحاقی آن مبنی بر جلوگیری و یا کاهش حتی الامکان حملات علیه آنها و نیز عدم استفاده از آنها به مثابه پایگاه نظامی بی اطلاع بودند؟ پاسخ به این پرسش بدون شک منفی است. و نمونه زیر گواه بر این است که امپریالیسم آمریکا علیرغم آگاهی به توافق نامه فوق، آن را زیر پا گذارد و بار دیگر نشان داد که آنها اصولاً برای عهدنامه های بین المللی پیشیزی ارزش قائل نیستند.

ارتش آمریکا در آغاز جنگ شهر باستانی بابل را به تصرف خود درآورد و بلافاصله آنجا را به پایگاه نظامی خود تبدیل نمود و صدمات جبران ناپذیری به این شهر که یکی از عجایب ۷ گانه جهان به شمار می آید، وارد آورد.

در گزارش دکتر «جان کرتیس» رئیس بخش خاور نزدیک موزه لندن ذکر شده است: «آنها به دروازه «ایشثار» که یکی از معروف ترین بناهای دوران باستان است، صدمات فراوان وارد آوردند...، خودروهای ارتش آمریکا، پیاده روه های آجری را که ۲۶۰۰ سال قدمت داشتند، خرد کردند. اجرای پروژه های نظامی، از جمله حفر ۱۲ خندق در آنجا،

منطقه را برای نسل های آینده باستان شناسان غیر قابل استفاده ساخته است. مناطق تاریخی مشهور نظیر برج بابل و باغ های معلق بابل آسیب دیده اند. از لوح های خط سومری اثری باقی نمانده است. به طور کلی شهر بابل به ویرانه های مبدل گشته است. برج «ملویه» با ۵۲ متر ارتفاع و ۱۰۰۰ سال قدمت در درگیری های نیروهای شورشی با نیروهای ائتلاف دچار خسران فراوان گشت. آمریکائیان از این برج به عنوان برج مراقبت استفاده می کردند، که در اثر حمله شورشیان منهدم شد. قریب به ۱۵۰ شهر از بقایای تمدن سومری ها که قدمتشان به شش هزار سال قبل باز می گردد منهدم و تبدیل به تلی از خرده سفال و آجر های شکسته شده اند...». دکتر «جان کرتیس» در عین حال در گزارش خود به این نکته تکان دهنده نیز اشاره کرده است که «برخی از مناطق باستانی جهت فرود آمدن هلیکوپتر و پارکینگ خودروهای سنگین، مسطح شده اند».

آقای دکتر «جان کورتیس» (Dr. John Curtis) از جانب موزه بریتانیا در برنامه خبری کانال ۴ تلویزیون بریتانیا اعلام داشت که در میان آثار هنری به سرقت رفته گلدان مقدس "وارکا" (Warka) وجود داشته است و همچنین ظرفی به قدمت ۵ هزار سال که در شهر "اور" پیدا شده بود. پایه های مجسمه اکادی و یک مجسمه آسوری نیز نذ دیده شده اند. به نقل از آقای "کورتیس" مثل این است که "مولالیزا دزیده شده باشد". دکتر "دانی جرج" (Dr. Doney George) رئیس موزه بغداد در مورد مهاجمان سازمان داده شده به آن موزه اظهار داشت: "من معتقدم آنها مردمی بودند که می دانستند چه می خواهند. آنها نسخه های بدلی ابلیسک سیاه (ستون سنگی هر می شکل سیاه رنگ-توفان) را کنار گذاشتند. این بدان مفهوم است که آنها کارشناس بودند. به اشیاء بدلی دست نزدند."

در اجلاس سال ۲۰۰۵ یونسکو «عبدالعزیز حمید» رئیس هیئت آثار باستانی عراق به خاطر آسیب هایی که از سوی نیروهای ائتلاف به میراث باستانی و فرهنگی کشورش وارد شده اند، خواستار پرداخت غرامت شد. اما نه تنها غرامتی پرداخت نشد، بلکه هر روز آثار باستانی بیشتری از این کشور در مرزهایش معامله شدند.

مدیر بخش خاورمیانه موزه لندن در جلسه ای که با حضور کارشناسان دنیا به منظور بررسی شیوه مرمت میراث تاریخی و باستانی عراق تشکیل شده بود، بیان داشت: «غارت و تخریب میراث فرهنگی و اشیاء عتیقه عراق در جریان جنگ، عظیم ترین فاجعه ای است که از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون در رابطه با میراث فرهنگی و تاریخی یک کشور رخ داده است.»

این که امروز شورای حقوق بشر سازمان ملل، داعش، این فرآورده امپریالیسم و ارتجاع منطقه را به خاطر اعمال ضد انسانی و ضد فرهنگی اش محکوم می کند، دسیسه جدیدی است که تحت عنوان آن می خواهند دول سیاسی مخالف خویش را به بهانه جنایت علیه بشریت به پای میز محاکمه ای دادگاه کیفری لاهه بکشند و در این راه از انزجار مردم از اقدامات داعش بهترین وسیله را ساخته اند. اما پرسش اینجاست که کجا بودند این شورا و این سازمان هنگامی که نیروهای .. ادامه در صفحه ۳

تخریب و غارت آثار باستانی...

ائتلاف به سرکردگی امریکا مغول وار با تجاوز نظامی به عراق کشور، مردم و میراث تاریخی‌اش را، همانگونه که در بالا اشاره رفت به نابودی کشاندند؟ چرا این سازمان، جنایتکاران جنگی آمریکائی و گروه ائتلاف را محاکمه نمی کند و بر ضدشان قطعنامه صادر نمی نماید.

می‌گویند که داعش با فروش اشیاء عتیقه و آثار باستانی غارت شده، هزینه های نظامی خود را تامین می‌کند. اما این تنها بخشی از واقعیت است، آن هم بخش کوچک آن. منبع اصلی درآمد این به اصطلاح حکومت اسلامی عراق و شام از یک سو کمک های مالی بی شائبه سران مترجع عربستان سعودی، قطر، کویت و از سوی دیگر درآمد فروش نفتی که از میدان های نفتی عراق و سوریه استخراج می شود و از طریق ترکیه به فروش می رود، می باشد. یکی از خریداران ارزان این نفت دزدی دولت تروریست فرانسه است. ما نه از ارقام نجومی که کشورهای مترجع عربستان و قطر در اختیار آنها قرار می دهند، اطلاع دقیقی داریم و نه از تعداد تسلیحاتی که روزانه از ترکیه به دست تروریست های داعش می رسد، اما مطابق اخبار و اسناد معتبر، داعش روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت از سوریه و ۳۰ هزار بشکه نفت از عراق به سرقت می‌برد و از طریق ترکیه آن را به فروش می‌رساند. البته باید سرقت دارائی‌های بانکی این دو کشور را نیز بر آنها افزود. تمام تسلیحات داعش را امپریالیسم تامین می کند، تمام نیازهای تدارکاتی آنها را امپریالیسم و همدستانش در منطقه تامین می کنند. تمام کمکهای مالی داعش را از طریق حواله های بانکی ارسال می کنند که قابل کنترل هستند.

اما به بینیم که آیا این تنها داعش است که عتیقه جات و آثار باستانی و ملی را به صورت قاچاق می‌فروشد؟ سالانه میلیاردها دلار عتیقه جات در جهان غرب به فروش می رسند.

چند نمونه: مستخرج از فرستنده تلویزیون "آرته arte" فرانسه و انگلستان در سالهای ۱۸۶۰ که جنگ تریاک در چین پایان یافت بسیاری از آثار گران‌بهای ملی و باستانی این کشور را به غارت بردند. دو نمونه آن، دو سر برنز گران‌بهای خرگوش و موشی است که از قصر تابستانی «شهر ممنوعه» در نزدیکی‌های پکن ربوده شده‌اند. چندی پیش این دو اثر در مجموعه‌های عتیقه جات «پیر برژه» سرمایه‌دار معروف فرانسوی مشاهده شدند. مسئولین چینی برای بازپس گرفتن آنها اقدام کردند. ولی «پیر برژه» مزورانه اعلام می‌کند که اگر حکومت چین دموکراسی را به جامعه بازگرداند، او حاضر است که این دو اثر با ارزش را به این کشور بازپس دهد.

قرارداد فرهنگی سال ۱۹۷۰ یونسکو اعضای سازمان ملل را موظف می‌سازد که آثار باستانی و اشیاء عتیقه‌ای را که غیرقانونی و به صورت قاچاق معامله شده باشند، می‌بایست به کشور مبداء رجعت داد. «مارین ترو» مسئول عتیقه جات موزه «گتی» نیویورک در ایتالیا به خاطر معامله قاچاق اشیاء عتیقه دستگیر می‌شود و مقابل دادگاه فرار می‌گیرد. او مشتری «جکومودیچی»، که یکی از بزرگترین قاچاقچی‌های آثار باستانی و عتیقه جات ایتالیایی به به

شمار می‌آید بود و برای موزه «گتی» در نیویورک خرید می‌کرد. «جکومودیچی» به طور عمده فروشنده عتیقه جات قاچاق و آثار باستانی حفاری شده از شمال رم و «بمیچی» است. طبق اطلاعاتی که اداره باستان شناسی ایتالیا منتشر کرده است، در ۴۰ سال گذشته قریب به ۱،۵ میلیون قطعه از آثار تاریخی ایتالیا به صورت قاچاق در دنیا به فروش رفته‌اند.

هنگامی که از رئیس موزه «پرگامون» در شهر برلین می پرسند که اشیاء عتیقه این موزه از کجا و چگونه به این موزه آمده اند؟ در جواب می گوید که ما قریب به ۵۰۰ هزار اثر باستانی و تاریخی و فرهنگی در این موزه داریم و مشکل بتوانیم اطلاعاتی در این زمینه به شما بدهیم!! واقعیت اما این است که اکثر اشیاء و آثار عتیقه و باستانی یا به صورت قاچاق معامله شده‌اند و یا در قبال رشوه به مسئولین و سران بی‌کفایت و دزد کشورهای ماخذ تصاحب گشته و یا خیلی ساده ربوده شده اند. برای نمونه از ترکیه هزاران قطعه ربوده شده اند که در موزه های لندن، پاریس، برلن و ... به نمایش گذارده شده اند.

در جنگ جهانی اول هنگامی که مردم به فکر نجات جان و مال خود بودند، «توماس انوارد لورنس» معروف به «لورنس عربستان»، این جاسوس انگلیسی، هزاران شینی و اثر باستانی را از ترکیه دزدید که یا در موزه‌های کشورهای غربی به نمایش درآمدند و یا در مجموعه عتیقه ثروتمندان جای گرفتند. گرچه همه آنها قبل از ۱۹۷۰ (سال امضای قرارداد فرهنگی یونسکو) ربوده شده اند و کشورهای امپریالیستی غرب از استرداد آنها سر باز می‌زنند، ولی مسئولین ترکیه سالهاست که برای بازپس‌گیری آنها اقدامات عیدیه‌ای نموده‌اند. با این که مسئولین ترکیه موفق شده‌اند مقداری از این میراث باستانی خود را پس بگیرند، ولی هنوز هزاران اثر در موزه‌های غرب خودنمایی می‌کنند.

در سالهای ۱۹۷۰ که آمریکا مشغول تاخت و تاز و قلع و قمع در کشورهای آسیای جنوب شرقی بود، به ویژه از کامبوج بسیاری از آثار تاریخی و عتیقه گران‌بها را به غارت برد که هنوز در موزه‌هایشان در معرض نمایش قرار دارند و این کار آمریکا جنایت علیه بشریت در کامبوج به حساب نمی آید.

علی الاصول برای ردیابی آثار غارت شده دست کسی به جایی نمی‌رسد. زیرا هم فروشنده‌ها، هم موزه‌ها و هم مجموعه‌داران جملگی سکوت می‌کنند و از آن گذشته پلیس هم چشم بر روی این مساله می بندد. به این ترتیب هیچ کس نمی خواهد بداند که ماخذ اشیاء عتیقه کجاست و آن را ردیابی کند! علاوه بر این موسسات و دفاتری در اروپا تاسیس شده اند که در قیال پول برای اشیاء عتیقه مسروقه گواهی کاذب صادر می‌کنند و به این ترتیب به عمل‌کرد قاچاقچیان مشروعیت می بخشند. در عین حال بسیاری از اشیاء قاچاق در حراجی‌های مختلف دنیا حتی بدون سند و مدرک قانونی به فروش می‌رسند. راه سوم نیز فروش آنها از طریق شبکه مجازی است که امروز بسیار متداول گشته است.

در کنوانسیون که ژوئن سال ۱۹۹۵ تحت نام cultural property convention

(UNIDROIT) به امضاء رسید، ذکر شده است که اشیاء عتیقه باید سند قانونی داشته باشند، در غیر اینصورت تجارت با آنها جرم محسوب می شود. اما این عهدنامه به دو دلیل درد کسی را دوا نمی‌کند. یکم این که زیر این کنوانسیون را تنها ۳۷ کشور امضاء کرده اند. دوم این که اشیائی که ده ها سال پیش ربوده شده اند شامل مرور زمان می گردند. لازم به یادآوری است که هیچ کدام از کشورهایی که در غارت آثار تاریخی ید طولایی داشته و این اشیاء به طور عمده در کشور آنها معامله می‌شود، زیر کنوانسیون مذکور را امضاء نکرده اند! همین کشورها یاران داعش اند. امروز بسیاری از بنادر آزاد دنیا مرکز خرید و فروش اشیاء عتیقه قاچاق هستند. هیچ مرجعی کنترلی بر روی ورود و خروج اشیاء را در این مراکز ندارد. این اشیاء بدون مالیات و گمرک (بهشت مالیاتی) به فروش می رسند. معروف‌ترین این بنادر، بندر آزاد ژنو است که افرادی نظیر «علی ابوتان» و «کوتالوکیس»، دلان و قاچاقچیان مشهور سوئیسی در آن رفت و آمد دارند. در سایر کشورها نظیر سنگاپور، لوکزامبورگ و... نیز بنادر مشابهی وجود دارند.

دست اندرکاران بر این باورند که تنها در بندر آزاد ژنو بیش از ۱،۵ میلیون آثار و اشیاء عتیقه - یعنی دو برابر تعداد موجود در موزه لور پاریس - انبار شده است. به دیگر سخن همان اشیائی که از ترکیه، کامبوج، ایتالیا، ایران، عراق، سوریه و سایر کشورها در گذر تاریخ ربوده شده اند، که به طور قطع اشیائی که داعش از موزه‌های عراق و سوریه ربوده و به قاچاقچیان فروخته است، نیز در میان آنها خودنمایی می کنند.

اخیرا موسسه حفظ آثار باستانی سوریه اعلام داشته است که این تنها داعش نیست که به غارت آثار باستانی (که به مصداق الماس خونین در افریقا، به اشیاء خونین در سوریه شهرت یافته‌اند) مشغول است، بلکه سایر گروه‌های مخالف دولت سوریه نیز در این غارت سهیم اند. اشیاء ربوده شده در خارج از سوریه به ویژه در «غازیان تپه» شهر مرزی ترکیه به فروش می رسند.

به هر رو اینکه ویرانگری و چپاول میراث فرهنگی گران‌مایه بین‌النهرین - این گهواره تمدن که میراث هزاران سال فرهنگ غنی خلق‌هایی که در این منطقه زیسته‌اند را در خود حفظ نموده است - را امپریالیسم مهاجم انجام دهد یا داعش، این دست پروردگان جنایت پیشه آنها، فرقی در ماهیت تبهکارانه ماجرا نمی‌کند. ولی برخورد دو گانه نیروها و مجامع بین المللی از جمله سازمان ملل و شورای حقوق بشرش به این سیاهکاریها در واقع گواهی بر سعی و کوشش عبثی است که جهت پرده‌پوشی ماهیت بربرمنشانه و چپاولگرانه امپریالیسم صورت می‌پذیرد.

از این رو حزب ما وظیفه خود می داند که با آشکار ساختن ماهیت میلیتاریستی و غارتگرانه امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا پرده ریا و تزویر را برافکند و چهره واقعی آنها را در معرض دید همگان قرار دهد. حزب ما سایر نیروهای مترقی، ضد امپریالیست و انقلابی را نیز به این کارزار فرامی خواند.

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

شکست مبارزات خلق کرد...
شناخت دشمن به آنجا کشیده است، که کردها در راه کسب حقوق برابر خویش با سایر خلقها، در هر کشور معینی که وجود دارند به همدست ارتجاع جهانی و یا ارتجاع همسایه ارتجاعی آن کشور معین بدل شده و همواره به عنوان آلت دست آنها عمل کرده و مبارزه خلق کرد را از یک شکست به شکست دیگر کشانده اند و توانائی پذیرش انتقاد را نیز ندارند.

ملا مصطفی بارزانی پدر خلق کرد برای مبارزه با حکومت وقت عراق با شاه ایران همکاری می کرد و ماموران ساواک و حتی ماموران موساد و کارشناسان نظامی ایران و اسرائیل در شمال عراق برضد همه خلقهای منطقه وول می خوردند. ملامصطفی بارزانی افتخار می کرد که با اسرائیل بر ضد خلقهای عرب همکاری می کند و از آنها پول و اسلحه گرفت و حتی پیروزی در جنگ شش روزه اسرائیلی ها بر ضد خلقهای عرب را به آنها تبریک گفت. پسرش آقای مسعود بارزانی و رهبر دیگر کردهای عراق آقای جلال طالبانی برای "کسب حقوق ملت کرد" با جرج بوش در تجاوز سربازان آمریکائی برضد انسانیت، بر ضد منشور ملل متحد، بر ضد تمام خلقهای منطقه و جهان به کشور عراق، همکاری صمیمانه نمودند و کردستان عراق را به پایگاه تجاوز آمریکا و اسرائیل در منطقه تبدیل کردند. سه هزار کردهای دست آموز آمریکا از نظر نظامی توسط آمریکائی ها در کردستان عراق برای خرابکاری پیاده شدند تا سیاست راهبردی امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه را تکمیل کنند. آنها اسرائیل کوچکی در نزدیکی مرزهای ایران به وجود آورده اند که مملو از جاسوسان موساد و مرکز خرابکاری آنها در شرایط کنونی علیه ایران و سوریه است. کردهای عراق در سرکوب و قتل عام مردم عراق چه

بخواهند و چه نخواهند چه بدانند و چه ندانند و یا تجاهل کنند، دست داشته اند. "حق خود تعیینی سرنوشت آنها" که بسیار شکستنی است بر دریائی از خون و دشمنی بپا شده است. و مسلما بدون پاسخ نمی ماند. همین تبهکاری سران قوم که از عاقبت اعمالشان واهمه دارند، آنها را بیشتر به آغوش امپریالیسم و صهیونیسم می کشاند. حکومت کردستان عراق از هم اکنون در وحدت عراق اخلال می کند و از

داعش آدمخوار برای عبور از مناطق بی خطر برای رسیدن به بغداد در کادر استراتژی امپریالیسم آمریکا به دفاع برخاست و همه امکانات برای این راه پیمائی طولانی برای فتح بغداد را فراهم ساخت. تو گویی اشغال عراق توسط داعش به کردستان عراق ربطی ندارد؟ کردستان عراق از مقاومت در برابر داعش دست پر داشت تا راه عبور آنها برای اشغال کامل عراق و فتح بغداد هموار باشد. منطبق آنها این بود که "داعش عربها را می کشد ما که کرد هستیم". این زدودن مرز میان دوست و دشمن و ناتوانی در تحلیل مسایل علمی به علت کوری ناسیونال شونیستی، فاجعه

ای به بار آورده که هنوز پایانی بر آن متصور نیست. رهبران کردستان عراق درک نمی کنند که با اتخاذ این سیاست، گور خویش را می کنند و هیچیک از خلقهای منطقه با ایجاد کردستانی که بخواهد پایگاه ضد انقلاب جهانی برای سرکوب خلقهای منطقه و قتل عام آنها شود موافق نخواهند بود و چنین حق تعیین سرنوشتی در دوران امپریالیسم به مفهوم مستعمره امپریالیسم آمریکا



از چپ به راست: مسعود بارزانی، مناخم ناهید ناووت (Menachen Nahik Navut) معاون موساد در سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶، محمود عثمان عضو مجلس عراق، زوی زامیر (Tzvi Zamir) رئیس موساد در سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۶، ناخوم آدمونی (Nachum Admoni) رئیس موساد در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹، یک پیشمرگه

شدن است. کردهای ایران نیز متأسفانه و با حسابگری بورژوائی از این "حق تعیین سرنوشت در عراق" حمایت می کنند و شما سازمان کردی را پیدا نمی کنید که همدستی رهبران کردستان عراق را با جرج بوش و اسرائیل محکوم کند. همه آنها از زیر بار این محکومیت و مبارزه با این نوع

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS

برداشت دشمنانه از حق خود تعیینی سرنوشت و در برخورد به سایر ملل منطقه، فرار می کنند. کردهای ناسیونال شونیست برای تحقق آنچه را که خود خواستههای ملت کرد می پندارند، حاضرند حق سایر ملل منطقه را با دست امپریالیسم و صهیونیسم نابود کنند و باعث شوند که کشورهای منطقه صرفا به بهای "آزادی خلق کرد" به مستعمره امپریالیسم بدل شوند. روشن است که با این نوع حق خود تعیینی سرنوشت که همدستی با امپریالیسم است، نمی شود موافق بود و باید بر ضد آن از هم اکنون ائتلافی کرده و قویا مبارزه نمود.

آقای مصطفی هجری رهبر حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه با نشریه اسرائیلی جروزالیم پست می گوید: "ایران مقادیر زیادی پول به آنها (حماس و حزب الله) می دهد. من فکر می کنم که اسرائیل باید ایران را به عنوان دشمن اصلی خود بداند و سعی کند که دشمنش را تضعیف کند." وی سپس مانند پدرش ملا مصطفی بارزانی از صهیونیستهای اسرائیل که یک دولت متجاوز و نژادپرست است و حق خود تعیینی سرنوشت خلق فلسطین را لگدمال کرده و فلسطین را به خون کشیده است، می طلبد: "بنابراین اسرائیل باید به گروه های مخالف جمهوری اسلامی کمک کند." او در واقع با بیان این مطلب کیسه گدائی را مقابل رژیم صهیونیستی اسرائیل می گشاید.

لازم به توضیح نیست که اسرائیل به این رهنمود آقای مصطفی هجری نیازی ندارد و سالیهاست که به پاره ای از سازمانهای اپوزیسیون ایرانی و از جمله مریدان تئوریهای منصور حکمت کمک مالی می کند. اسرائیل به ملامصطفی بارزانی و مسعود بارزانی هم کمک مالی کرده است و امروز بر ضد حکومت قانونی و مشروع بشار اسد که مورد علاقه آقای هجری نیست، به داعش کمک مالی و تدارکاتی می کند تا حق خود تعیینی سرنوشت ملت سوریه را لگد مال کند. آقای هجری هرگز به دفاع از حقوق مشروع و قانونی ایران که در توافقنامه های جهانی مستند است نمی پردازد، بلکه برای حق خود تعیینی سرنوشت کردهای ایران دروغهای امپریالیسم و خواستههای آنها را تائید می نماید. وی در سال ۲۰۰۶، هنگامی که آمریکا و اروپائی ها بر سر مسئله اتمی به ایران فشار وارد می آوردند تا از حقوق مشروع و مسلم خود صرفنظر کند، هشدار داد: "که مذاکرات باید بر

حمایت از حقوق بشر و دمکراسی متمرکز شوند. معاملات اقتصادی سال گذشته، تثبیت اقتصادی برای ایران می آورد و رژیم ایران را مستحکم تر می کند." همین آقای هجری در زمان تجاوز آمریکا به عراق از جرج بوش دعوت کرد که به ایران نیز حمله کند و دستور تجاوز به ایران را فقط روی میزش قرار ندهد تا کردهای ایران نیز بتوانند به حقوق خود مانند کردهای عراق دست پیدا کنند. ایشان

با تبلیغ برای یک گروه مشکوک و امپریالیسم ساخته اشاره کرد که: "گروه او با کنگره ملیت های فدرال ایران، چون آذری ها، عربها، بلوچها و ترکمن ها که به دنبال احقاق حقوق خود هستند، همکاری می کند. کردها احساس می کنند که اروپا و امریکا آنها را در حمایت از احقاق حقوق اقلیت ها و دموکراسی حمایت نمی کنند." آیا می شود با اینگونه حق تعیین سرنوشت ملل که به بهای اسارت سایر ملل در عصر امپریالیسم منجر می شود، موافقت کرد؟ آیا می شود با جهالت تمام و بی توجه به عواقب سیاسی این شعار مدعی شد که کمونیستها و نیروهای ... ادامه در صفحه ۵

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

شکست مبارزات خلق کرد...

مترقی ایران، ترکیه، عراق و سوریه با ایجاد کشور مستقلی بنام کردستان در جوار خویش موافقت کنند، تا آنها مسلح شوند، قدرت بگیرند و به عنوان دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم در دشمنی با خلقهای منطقه عمل نمایند؟ موافقت با چنین تعیین حق سرنوشتی، خودکشی و پروراندن مار در آستین و این در درجه نخست به ضرر خلق کرد است، زیرا به رویاهای وی پایانی غم انگیز می بخشد. حداقل از بعد از جنگ جهانی دوم به این طرف شاهد آن هستیم که این نوع درک از سیاست حق خود تعیینی سرنوشت چه خسارتی به ملت کرد زده است. رفیق استالین بدرستی روشن کرد که مقوله حق تعیین سرنوشت ملل در دوران امپریالیسم را باید در مبارزه با این بزرگترین ناقض حق تعیین سرنوشت ملتها و استعمارگر بزرگ به پیش برد. فقط آن نوع حق خود تعیینی سرنوشتی از نظر کمونیستها قابل قبول است که جنبه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی داشته باشد و در جهت تضعیف این بزرگترین ناقضان آن باشد و به دوستی و اتفاق خلقها کمک کند و نه در تقویت سیاستهای امپریالیسم در جهان و منطقه. در غیر این صورت درک نادرست از این مقوله منجر به آن می شود که همواره به آلت دست ارتجاع و امپریالیسم بدل شد و این را ما متأسفانه در تاریخ زندگی خلق کرد می بینیم. اخیراً ما با مبارزه قهرمانانه کردهای سوریه برای حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه و مخالفت با ترکیه و داعش روبرو بودیم. کردهای انقلابی سوریه با مبارزه با داعش و ترکیه و اربابان امپریالیست آنها نه تنها موفق شدند از تمامیت ارضی سوریه دفاع کنند، بلکه توانستند روح مردم سوریه را تسخیر کرده و برای خود احترامی عمیق در افکار مردم به جای بگذارند. آنها اعتماد عمومی مردم منطقه را خریدند که بهای آن بی اندازه و ارزش سیاسی آن تاریخی است. آیا بهتر نبود که با همین روح به مبارزه خویش تا آزادی کامل سوریه و طرد پان ترکیستها، صهیونیستها، امپریالیستها و پان اسلامیستها ادامه می دادند تا اینکه در وسط راه آهنگ آن نمایند که فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشند و با امپریالیسم آمریکا و نیروهای ویژه آنها که راهی شمال سوریه شده اند به همکاری پرداخته و عاملی در تضعیف حکومت بشار اسد و تقویت سلطه امپریالیسم آمریکا و نقض حقوق ملتها در منطقه شوند؟ و نام نیک خویش را سرمایه تجاوز امپریالیسم آمریکا به خاطر وعده های واهی آنها سازند؟ روشن است که امپریالیسم آمریکا برای کردهای سوریه آبرویی به جای نخواهد گذارد و از آنها در معاملات سیاسی خویش با روسیه و ترکیه برای نقض حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه استفاده می کند. مبارزه کردهای سوری که باید سرمشق سایر اکراد قرار می گرفت به بیراهه غیر قابل دفاع افتاده است.

"ناریم کوبانه" (Narin Kobane) خبرنگار "باس نیوز" (Bas News) به نقل از یکی از رهبران "نیروهای دموکراتیک سوریه" اظهار داشت که:

ساختمان یک پایگاه نظامی آمریکائی در ۳۵ کیلومتری جنوب کوبانه در روستای "سیبات" (Sibat) به اتمام رسیده است.

<http://bas-haber.com/.../kobanedeki-abd-askeri-ussu-tamamland...>

به گزارش مستند برنامه تلویزیونی مونیور در کانال یک ARD در آلمان فدرال، در تاریخ پنجشنبه ۸ ماه سپتامبر ۲۰۱۶ که در مورد سوریه است، به روشنی دیده می شود که کماندوهای جنایتکار آمریکائی در لباس "یگانهای مدافع خلق" کردهای کوبانه در سوریه، بر ضد ارتش ملی سوریه و تمامیت ارضی سوریه می جنگند و عملاً و بطور عینی به صورت متحد داعش در آمده اند.

<http://mediathek.daserste.de/Monitor/Gestern-Helden-heute-Zielscheibe-Die-K/Video?bcastId=438224&documentId=37612090>

راه رفع ستم ملی از اکراد در همه ممالکی که آنها در آن سکونت دارند، تنها در مبارزه مشترک و همکاری آنها با سایر مردم آن کشورها برای تحقق آزادی، دموکراسی و حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و مبارزه ملی و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی آنهاست. در چارچوب اعتماد و احترام متقابلی که در متن این مبارزه انقلابی و مترقی ایجاد می شود، می توان به حقوق متقابل هم احترام گذشت و آنرا به رسمیت شناخت و در کنار هم با صلح، دوستی و برادری و همکاری متقابل زیست. تنها این مبارزه است که دورنمای موفقیت و پیروزی و تفاهم و همبستگی همه خلقهای منطقه را خواهد داشت. در غیر این صورت مردم ایران هرگز به حکومت کردستانی در ایران نظیر کردستان بارزانی در عراق و یا جای دیگر تن در نخواهند داد و در این راه با کردهای انقلابی و مترقی نیز همدستانند. حمایت از حق خود تعیینی سرنوشت ملتها باید بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم باشد که در پی ایجاد جغرافیای جدید سیاسی در منطقه هستند. حزب ما به هیچ سازمانی در این عرصه چک سفید نخواهد داد. هستند پاره ای از اپوزیسیون ایران که به جای مبارزه به ماماشات مشغولند و با نان قرض دادن و هندوانه زیر بغل و این و آن گذاردن بر این پندارند که گویا در پی تحقق حق خود تعیینی سرنوشت خلق کرد هستند و پاره ای از کردهای ناسیونال شونیست نیز از این مجیز گوئی ها برای تقویت خویش سوء استفاده می کنند و در دل خود می گویند: احق ها! بیشتر به ما امتیاز سیاسی بدهید تا ما هرچه زودتر جدا شده خدمت همه شما برسیم. حزب ما با این نوع حق خود تعیینی سرنوشت که نفوذ امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه تقویت کند و سرنوشت همه خلقهای منطقه را به خطر اندازد، موافق نیست و بر ضد آن مبارزه می کند. حزب ما مخالف آن است که تبلیغات ناسیونال شونیستی ملت بزرگ یا کوچک ماهیت طبقاتی مبارزه ملی را مخدوش کند و مرز ارتجاعی و مترقی را بر اساس تعلقات قومی تبیین نماید. ما به این تفکرات و با ضعف و بزدلی پاره ای از

اپوزیسیون ایرانی که فقط آموخته رشوه سیاسی بدهد، مبارزه می کنیم. پیروزی خلق کرد که تا کنون همواره با شکست روبرو بوده و از چاله ای به چاه بعدی افتاده است در گرو بازگشت از این راه بی سرانجام است. چه در ایران، چه در ترکیه، چه در عراق و چه در سوریه. باید همبستگی خلقهای ایران و منطقه را بر ضد دشمن عمده و واحد تقویت نمود. این تنها راه درست نیل به هدف است.

ابزارهای نفوذی استعماری....

صنعتی و غذائی تعیین شده، معیارهای معینی را که خود این کشورها از قبل برای خودشان تعیین کرده، آموخته و بر آن مسلطند، و آنها را در موقعیت کشورهای پیشرفته و غیر قابل رقابت قرار می دهد، سر نخ همه چیز را کاملاً در دست بگیرند، و این ضوابط خودساخته را به بازارهای جهانی و ملل ضعیفتر تحمیل کنند و سپس با تکیه بر این استانداردهای تمپیلی جهانی که مبنای تولید آنها قرار گرفته است، از ورود کالاها رقیب به بازارهای داخلی خویش به بهانه غیر استاندارد جلو بگیرند و در زیر لوای "تجارت آزاد" و "مناطق آزاد تجاری" به تقویت بازارهای ملی خود می پردازند. در این توافقنامه های سری و بدور از چشم مردم تصمیم می گیرند چه چیز باید به کالا بدل شود و این کالاها در قلمرو جغرافیایی اعضاء عضو این اتحادیه بدون آنکه گرفتار موانع گمرکی گردند به طور وسیع توزیع می گردند. همین کیفیت را باید کالاها آنها در عرصه جهانی داشته باشد تا با حضور انبوه خود در این بازارها استانداردهائی را به مردم جهان تحمیل کنند که رقیب آنها قادر به مقابله به مثل با آنها نباشند. این اتحادیه ها از یک طرف رقابت سرمایه های کلان را در داخل بازار داخلی اتحادیه افزایش داده به فریه شدن معدودی از سرمایه داران و ورشکستگی اکثریت آنها منجر شده و مرزهای ملی را از بین برده و یک بازار اقتصادی تحت سلطه سرمایه داران کلان ایجاد می کند و از جانب دیگر این اتحادیه های اقتصادی را به رقابت با سرمایه داران غیر خودی و رقیبای خود در عرصه جهانی می کشانند. بخت قدرتهای اقتصادی پیشرفته در این عرصه ها زیادتر است. مثلاً آمریکا و آلمان و تا حدودی فرانسه بخت بیشتری دارند تا در قالب این اتحادیه ها به بازارهای همدیگر دست پیدا کرده و در هم ادغام شوند. ولی همین اتحادیه ها که طبیعتاً تضادهای درونی امپریالیستی را تقویت می کند به رقابتی بیرحمانه با امپریالیستهای غیر خودی و در اینجا چین و روسیه و یا حتی کشورهایی با اقتصادهای قدرتمند در حال ظهور نظیر هند و برزیل و آفریقای جنوبی می پردازند.

قصور از تعهدات بر اساس موافقتنامه، به صورت اتخاذ تدابیری خواهد بود که موجبات ضرر سرمایه گذار را فراهم آورده و یا منجر به ایجاد موانع در راه حصول منافع سرمایه خارجی گشته و یا از بین رفتن و یا لطمه دیدن منافع سرمایه داران خارجی را در پی... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

پیدا کرد. وی در نیمه دوم سال ۱۳۷۶ پیشنهاد اعضای مؤثر جامعه روحانیت مبارز از جمله آیت الله مهدوی کنی و آیت الله یزدی برای حضور و عضویت در شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز را پذیرفت و با رأی اعضا در یکی از جلسات جامعه، رسماً به عضویت شورای مرکزی جامعه روحانیت در آمد. سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۳۸۵، از طرف جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و به توصیه نخبگان استان خراسان جنوبی برای عضویت در چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری، خود را نامزد کرد و وارد مجلس خبرگان شد. ۲ سال پس از حضور در این مجلس، با رأی نمایندگان خبرگان به عنوان عضو هیئت رئیسه انتخاب و عضویت ایشان در این جایگاه تا اتمام دور چهارم، با رأی نمایندگان مجلس خبرگان تمدید شد.

آقای رئیسی همه پلکان ترقی را در نظام پیموده و حتی دختر آیت الله علم الهدی در مشهد را به همسری اختیار کرده و شجره نامه خود را منتشر کرده که نسبش به حضرت محمد و خانواده قریش و شخص زین العابدین "بیمار" می رسد، تا مو لای درز پیشرفت و ترقیش نرود.

این پیشینه سیاسی و اداری مملو از وفاداری و امانت داری و اعتماد و اطمینان، نشان می دهد که وی یکی از ماموران استخواندار و وفادار و با وزنه رژیم جمهوری اسلامی است و دستش تا آرنج به خون بی گناهان مانند همپیمانان خویش آغشته است و راه فراری ندارد. در سایت آستان قدس رضوی خبری منتشر شد مبنی بر اینکه آقای رئیسی در جمع فرماندهان و مدیران مرزبانی سراسر کشور سخنرانی کرده اند. بر اساس اخبار منتشر شده، سردار جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) در نزد وی به ارائه گزارشی از فعالیت های سپاه پرداخته و آنگاه سردار سلیمانی (فرمانده سپاه قدس) نیز گزارشی از اوضاع منطقه و موقعیت راهبردی نظام در تحولات منطقه ارائه داده است. این اقدامات حاکی است که اهمیت زیادی برای سید ابراهیم رئیسی قائلند و وی را پرور می کنند. اینکه وی باید بر گزارشات عمال فخر در ایران نظارت کند، حاکی از آن است که رژیم جمهوری اسلامی برای بقاء خویش حساب جداگانه ای برای وی که هنوز جوان است، گشوده است و این دیدارها و اظهارنظرهای رئیسی، در کنار کارنامه و پیشینه وی در تثبیت و تداوم جمهوری اسلامی در گذشته و حال، نقش وی را در فهرست مدعیان اصلی رهبری نظام ولایت فقیه ای ایران برجسته می کند.

تا اینجا وضع به همان نحوی پیش رفته است که جناح مسلط حاکمیت در ایران قلم زده است. ولی انتشار سخنرانی آیت الله محمدعلی منتظری توسط فرزندش و بازتاب وسیع آن در ایران و خارج از ایران گویای نزاع شدیدی است که بر سر گزینش رهبری در جریان است. اینکه تصور کنیم احمد منتظری بدون حمایت بخش مهمی از روحانیون مخالف خامنه ای از جمله رفسنجانی و همپالکی هایش به انتشار سخنرانی های پدرش پیرامون کشتار فجیعانه سال ۱۹۶۷ دست زده است؛ ساده انگاری محض است. تمام ... ادامه در صفحه ۷

میان فقر و ثروت منجر می شود که این وضعیت طلایه دار تشدید مبارزه طبقاتی و نبردهای آتی شدید طبقاتی در این ممالک است. تدوین قوانین ضد دموکراتیک و نقض حقوق و آزادی های مردم و بویژه طبقه کارگر در تحت هیاهوی مبارزه با "تروریسم" برای سرکوب آتی این طغیانهاست.



نزاع بر سر جایگزین رهبری

کرج وی توانست مأموریت خویش در این منطقه را نیز به مدت سه سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ با سرکوب و موفقیت به انجام برساند. در سال ۱۳۶۴، سال آغاز مدیریت قضایی ایشان در پایتخت بود و به این ترتیب عهده دار سیمت جانشینی دادستان انقلاب تهران شد. وی یکی از افرادی بود که مورد توجه خمینی قرار داشت و خمینی وی را همراه با آقای حسینعلی نیری مسئول رسیدگی به پرونده های قضایی در استانهای لرستان، کرمانشاه و سمنان مستقل از قوه قضائیه و از بالای سر قوه قضائیه کرد. این دو نفر از امام حکم داشتند که هر چه می خواهند برای سرکوب مردم و مجازات مخالفان به کار ببرند.

بعد از درگذشت خمینی و آغاز کار آقای خامنه ای، آقای رئیسی با حکم آیت الله یزدی؛ رئیس وقت قوه قضائیه، در سن ۲۹ سالگی به سمت دادستان تهران منصوب شد و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به مدت پنج سال این مسئولیت را برعهده داشت. پس از آن و از سال ۱۳۷۳ به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد و این سمت را تا سال ۱۳۸۳ عهده دار بود.

در تاریخچه زندگی ایشان می خوانیم که آقای رئیسی از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳، به مدت ۱۰ سال معاون اول قوه قضائیه بود و از سال ۱۳۹۳ تا کنون نیز دادستان کل کشور است. وی از سال ۱۳۹۱ تا کنون با حکم مقام رهبری به عنوان دادستان کل ویژه روحانیت نیز منصوب شده است. نزدیکی سید ابراهیم رئیسی را به خامنه ای از اینجا می توان درک کرد که وی از سال ۱۳۷۰ در جلسات درس خارج فقه خامنه ای، به مدت چهارده سال حضور یافت و دروس جهاد، فضاصل و مکاسب محرمة را در نزد وی آموخت و همنظری

ابزارهای نفوذی استعماری... داشته باشد. در تمام این توافقنامه ها که تامین منافع سرمایه داران کلان و امنیت سرمایه گذاری آنها در ممالک عضو مد نظر است، تعرفه ها و عوارض گمرکی حذف می شوند و سیاست تامین خودکفائی که شرط استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهاست از بین می رود. برای داوری در موارد اختلاف میان شرکتها و کشورها، هیاتهای رسیدگی تعیین می شوند که ترکیبی از عمال سرمایه های خارجی هستند و تابع قانونهای حقوقی کشور مورد چپاول نمی باشند. هیاتهای رسیدگی تابع قانون ممالک عضو نبوده، بلکه از وکلای حقوقی خصوصی که در این زمینه دارای تجربه طولانی هستند تشکیل می شود. این محفل حقوقی خصوصی زیر سلطه انحصارات ممالک غارتگر قرار دارند که در باره آینده این ممالک تصمیم می گیرند و تصمیمات آنها حجت است. به سخن دیگر سرنوشت هستی اقتصادی یک کشور به دست مثنی عمال مافیای اقتصادی امپریالیستی می افتد.

ممالک امپریالیستی با دادن رایانه به کشاورزان خود توانائی های آنها را در رقابت با سایر کشاورزان افزایش می دهند و عملاً با شکستن مرزهای گمرکی کشورهای ضعیف به یک مبادله نابرابر با کشاورزان بومی این ممالک دست می زنند. آنها اقتصاد ممالک ضعیف را درهم می شکنند و بر اساس توافقنامه های استعماری که سود حداکثر را برای غارت سرمایه در نظر می گیرد دست آنها را برای چپاول این کشورها باز می گذارند. هر اعتصاب کارگری، افزایش نرخ ارز، زلزله، سیل می تواند به عنوان موانعی برای حفظ منافع این کنسرنها تعریف گشته و هیاتهای رسیدگی که ماموران استعماری هستند، دولت های این کشورها را که به کارگزاران واقعی این سرمایه ها بدل شده اند، مجبور کنند از درآمد سایر بخشهای اقتصادی، از مالیات عمومی مردم، "خسارت" این شرکتها را بپردازند. این توافقنامه های تجاری در مناطق آزاد به معنی آزادی غارت کشورهای ضعیفتر، ثروتمند تر شدن ممالک امپریالیستی و کنسرنهای آنهاست. آنها برای فریب مردم فهرستی از مزایای دروغین تجارت آزاد جهانی که گویا موجب پیشرفت و رفاه عمومی می شود، تهیه کرده و با تبلیغات از طریق رسانه های خودفروخته و روشنفکران آموزش دیده ی اطاقهای فکری امپریالیستی به حلقوم مردم می ریزند. در عمل نه تنها رفاهی در کار نیست، بلکه عقب ماندگی این کشورها تثبیت می گردد و مردمان آنها همواره بردگان آماده به خدمت سرمایه های کلان خارجی هستند. **این وضعیت تضاد میان خلقها و ممالک زیر سلطه را با سرمایه های کلان امپریالیستی و دول حامی آنها تشدید می کند و به رشد جنبشهای ملی دامن می زند.**

هجوم سرمایه های انحصاری امپریالیستی برای رقابت به درون بازارهای سایر رقبا با پرچم "آزادی رقابت" بورژوازی متوسط درون این کشورها را به خوراک انحصارات بدل کرده، افزایش درجه استثمار را تشدید نموده، به از خود بیگانگی انسانها دامن زده و به شکاف عمیق

حاکمیت رویونیسم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

نزاع بر سر جایگزین رهبری...

مطالب کنونی اظهار شده منتظری؛ در کتاب وی نیز منتشر شده و امر مخفیانه ای نبوده است، ولی پخش نوار زنده این سخنرانی همراه با فیلم آن؛ مسلماً تأثیرات روانی فراوانی بر روی مردم دارد، به ویژه اینکه بسیاری حتماً کتاب قطور وی را نخوانده اند و یا از یاد برده اند، ولی حاضرند به حدود ۴۰ دقیقه سخنان وی همراه با چهره و لحن دلسوزانه اش گوش فرا دهند. بسیاری از مردم کشور ما در سال ۱۳۶۷ تازه به دنیا آمده اند و نسل جوان از آن همه جنایت بی خبر است و با توجه به دسترسی نسل جوان به شبکه مجازی و فن‌آوریهای مدرن امروزی دسترسی به آنها از طریق شبکه مجازی سهل تر است. فراموش نکنیم که منتظری به اعتراف خودش مخترع نظریه "ولایت فقیه" بود و این شیخ ساده لوح در ریاست مجلس خبرگان با پافشاری خاصی می خواست به جنگ شیعه و سنی دامن زند و مذهب شیعه دوازده امامی را به عنوان مذهب رسمی و برحق، در قانون اساسی ایران؛ به مسیحیان، زردتشی ها، یهودیان، سنی های ایران به قبولاند. این طبیعتاً بیان کامل ساده لوحی سیاسی است که تصور شود تنها با حکم قانون اساسی می شود حقانیت یک مذهب بر سایر ادیان را ثابت کرد. این حکم در عمل روزانه به مفهوم سرکوب و تضییقات و پیگرد مستمر پیروان سایر ادیان بود. این حکم که خوشبختانه تصویب نشد و از دستور کار خارج شد، عقب نشینی به دوران قرون وسطی محسوب می شد.

مهمترین انگیزه برای بخش سخنرانی افشاءگرانه آیت الله منتظری در شرایط کنونی پرده برداری از جنایات رژیم جمهوری اسلامی و قتل عام زندانیان سیاسی برخلاف عرف قضائی و هنجارهای

انسانی نیست، مهمترین بخش این سخنرانی افشاء سید ابراهیم رئیسی است که وی را به عنوان قاتل خون آشامی معرفی می کند که عضو شورای آدمکشی بوده است و اکنون باید جاننشین خامنه ای شود. این افشاءگری در خدمت تصفیه حسابهای درونی رژیم می باشد.

آیت الله منتظری در دیدار ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ خویش با مسئولان اجرای حکم امام خمینی، از سید ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان تهران) همراه با اعضای هیئت سه نفره مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، حسینعلی نیری (حاکم شرع)، و مصطفی پورمحمدی (نماینده وزارت اطلاعات) به عنوان دست‌اندرکاران "اعدام زندانیان سیاسی (تابستان ۱۳۶۷)" نام می برد که طی آن چند هزار تن زندانی که مشغول گذراندن احکام زندان خود بودند، کشته شدند. نام دو نفر اول در فرمان روح الله خمینی آمده است.

آقای منتظری، که در آن زمان قائم مقام رهبر ایران بود، در این جلسه، اعدام های سال ۱۳۶۷ را "جنایت" می داند و به حاضران هشدار می دهد: "بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می کند به دست شما انجام شده و نام شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می نویسند". یکی از این جنایتکاران سید ابراهیم رئیسی است.

وی اشاره می کند افرادی که در تابستان ۱۳۶۷ اعدام شدند، همگی در گذشته در خود قوه قضائیه محاکمه شده و احکام زندان گرفته بودند، وی اعدام آنها را بدون توجه می داند و می گوید: "اینکه ما بیانیم بدون اینکه فعالیت تازه ای باشد اینها را اعدام بکنیم معنی این است که... همه دستگاه قضائی مان غلط کرده."

احمد منتظری، فرزند آیت الله منتظری در گفتگو با

بی‌بی‌سی فارسی در پاسخ به این پرسش که چرا این فایل صوتی؛ اکنون منتشر می‌شود، بیان داشت: "چون دیدیم با توجه به شبکه‌های اجتماعی زمینه‌اش اکنون وجود دارد و دیدیم که موقعیت مناسبی است که این حقایق منتشر شود. این فایل در واقع مهر تأییدی بر کتاب خاطرات آقای منتظری است. چون بسیاری با تحریف تاریخ قصد داشتند چهره دیگری از او به تصویر بکشند و این انتشار این فایل خط بطلانی است بر روی این تحریف‌ها."

آیت الله منتظری در خاطرات خود نوشته بود: "اول محرم شد من آقای نیری که قاضی شرع اوین و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیسی معاون دادستان و آقای پورمحمدی که نماینده اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدام‌ها دست نگه دارید، آقای نیری گفت: "ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده ایم، دویست نفر را هم به عنوان سر موضع از بقیه جدا کرده ایم، کلک اینها را هم بکنیم بعد هر چه بفرمایید."

حال توپ در زمین باران رهبر است تا برای گزینش سید ابراهیم رئیسی توجیهی پیدا کنند. آقای رفسنجانی رقیب خامنه ای خودش یک جانی بی نظیر است که مسئول قتل‌های زنجیره ای و ترورهای داخل و خارج کشور و همدست سیاست‌های آمریکائی در ایران می باشد. روشن است که رژیمی که بر اساس سرکوب مردم پدید آمده و دریای خون بپا داشته دستانی پیدا نمی کند که به خون آغشته نباشند. تمامیت این رژیم را باید جایگزین کرد.

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۲۳ مهر ماه ۱۳۹۵ منتشر شد)**آنها در تارنمای توفان مطالعه نمایند)**

کشتار "غیر عمد" و شکنجه "غیر عمد" و عذرخواهی سعید مرتضوی؛ - چند یادداشت کوتاه سیاسی؛ - در حاشیه فساد حکومتی؛ - مصاحبه با هوشمند حسنی، کارگر با تجربه و قدیمی در جنبش کارگری ایران در مورد وضعیت کنونی کارگران (۲)؛ - نگاهی دیگر به بحث‌های درونی دو سازمان چریک‌های فدایی و مجاهدین م ل؛ -

یادداشتی در مورد بمباران سوریه توسط آمریکا (مزدوران امپریالیسم را افشا سازیم)

به مناسبت هجدهمین سالگرد ترور پیروز دوانی، چگونه همه چیز لوٹ می‌شود

یادی از پیروز دوانی و این بار با نام خودش

یادی از رفیق احمد دالری

گشت و گذاری در فیسبوک. پاسخ به چند پرسش

توفان الکترونیکی شماره ۱۲۳ مهر ماه ۱۳۹۵ اکتبر ۲۰۱۶

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/kitabkane.htm>

http://toufan.org/nashric_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

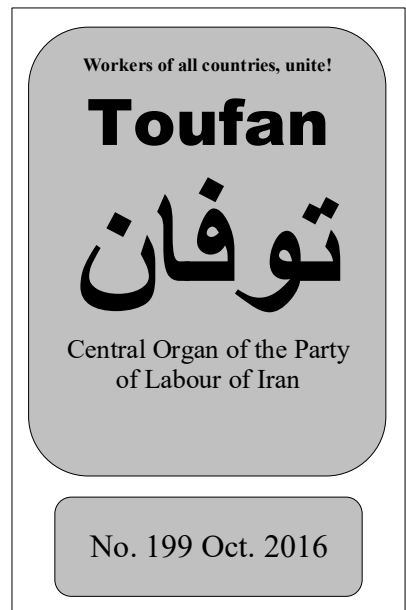
نزاع بر سر جایگزین رهبری در ایران و انتشار نوار صوتی آیت الله منتظری

از زمانی که بیماری ولی فقیه تشدید شده است، بحث در مورد آینده رهبری سیاسی ایران داغ است. مخالفان رهبری کنونی که دستشان تا حدودی از تصمیمگیری ها کوتاه و نفوذشان کاسته شده است، بر این نظرند که باید بعد از درگذشت خامنه ای به دنبال یک شورای رهبری رفت که آنرا نمایندگان مجلس خبرگان تعیین می کنند. آنها می خواهند از این طریق جای پای خویش را در رهبری نظام باز کنند و در عین حال نظام را در آینده کمتر ضربه پذیر سازند. روشن است که هر چقدر از زمان آغاز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ دورتر رویم، کمتر قادریم رهبری ای برگزینیم که فرزند انقلاب بوده و از اقتدار مقتضی برخوردار باشد. در راس این جناح دلواپس، حجت الاسلام رفسنجانی قرار دارد که یکشنبه با زیر پا گذاردن همه اصولی اعتقادی خویش، در دکان دین، به خود لقب آیت الهی داده است.

اکنون با انتصاب سید ابراهیم رئیسی؛ به تولیت آستان قدس رضوی از جانب آیت الله خامنه ای، نام وی بر سر زبانها افتاده است و در مطبوعات به شدت مورد توجه است. سیری در پله های ترقی سید ابراهیم رئیسی که در مطبوعات ایران منتشر شده است، خالی از شگفتی نیست.

وی طی سالها فعالیت در عرصه های گوناگون نظام جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت هایی همچون معاون اول قوه قضائیه، ریاست سازمان بازرسی کل کشور، دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، دادستان کل ویژه روحانیت با حکم رهبر، دادستان کل کشور در سن تقریباً ۳۰ سالگی، عضویت در هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری، ریاست شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما و نمایندگی استان خراسان جنوبی در مجلس خبرگان رهبری را عهده دار بوده است. آیت الله بهشتی در همان بدو انقلاب که در پی کادر سازی برای رفع نیازمندیهای رژیم اسلامی برآمد، برای تأمین نیازهای مدیریتی نظام، یک دوره آموزشی برای حدود ۷۰ نفر از طلاب قم که آنها را مناسب قبول مسئولیت تشخیص داد و دست چین کرد، تدارک دید؛ آقای ابراهیم رئیسی یکی از این طلاب برگزیده بود.

وی برای جلب نظر بهشتی برای سرکوب مبارزان و آزادیخواهان به مسجد سلیمان اعزام شد و در ارتباط با دادرسی انقلاب اسلامی به وظایف خویش در مسجد سلیمان عمل کرد. سپس راهی شاهرود شد و در مجموعه سیاسی ایدئولوژیک پادگان آموزشی آنجا، وفاداری خویش به نظام را در عرصه این مأموریت نیز به اثبات رسانید. آقای رئیسی که متولد سال ۱۳۳۹ است، در زمان انقلاب تنها ۱۸ ساله بود و در بیست سالگی یعنی در سال ۱۳۵۹ پا به عرصه فعالیت های قضائی گذاشته است. وی با حضور در جایگاه دادیاری شهرستان کرج کار خویش را در این زمینه آغاز کرد. اما هنوز چند ماهی از این دوره نگذشته بود، که با حکم دادستان وقت کل انقلاب، آیت الله قدوسی، دادستان کرج شد. اهمیت این انتخاب در این بود که به علت جنگ تحمیلی هزاران نفر از هموطنان ما از خوزستان به کرج آمده بودند و اوضاع "پیچیده و خطرناکی" مملو از نارضایتی از جمهوری اسلامی و رشد افکار چپ در این شهر ایجاد شده بود. کنترل این محیط از نظر امنیتی و سیاسی برای رژیم اهمیت فوق العاده داشت. وی به مدت دو سال در همدان بود و انجام وظایف می کرد. به علت کاردانی طبقاتی و موفقیت های وی در امر کنترل و سرکوب مردم، همزمان با دادستانی کرج، مسئولیت دادستانی شهر همدان را نیز به ایشان دادند که علیرغم دوری از ... ادامه در صفحه ۶



مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار
ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار ایران.
اوضاع جهان-بخش نخست

ابزارهای نفوذی استعماری امپریالیسم

توافقتنامه های مناطق آزاد تجاری

استفاده از توافقنامه های مناطق آزاد تجاری یک روش جدید ممالک پیشرفته امپریالیستی است تا با انعقاد قراردادهای چند و یا دو جانبه در بین خود، درجه بهره کشی کارگران و خلقهای تحت ستم را افزایش داده، قانونهای ملی هر کشور مشخص عضو را دور زده و باطل نموده و تصمیمات قوای قضائیه و مقننه آنرا بی اعتبار کرده و امکان رقابت با دسته بندیهای رقبای خویش را افزایش دهند. با انعقاد این قرار دادها طرفین قراردادهای تصمیم می گیرند که نخست استانداردهای مورد توافقی را در میان خود به وجود آورده و بر اساس این قواعد و ضوابط جدید به تولید کالا بپردازند. بر اساس این هنجارهای (نرمهای) ... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسائید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany